



مدگرایی الزاماً به معنای بهروز بودن نیست

شبیه خودت باش! هر روز بهتر از دیروز

پیدا نخواهد کرد و تا آخر عمر کسی به او توجه نمی‌کند. باز هم زمان می‌گذرد و به دنیای بزرگسالی قدم می‌گذارند اما همان افکار سیندرلایی و سوپرنمنی خود را دارد. این بار کمی عدم رضایت‌های او هم بزرگسالانه‌تر شده و پذیرفته شدن و دوست داشته شدن را در بینی عمل کرده و اندام به اصطلاح ورزشکاری و هزار و یک زرق و برق دیگر می‌بیند و اینجاست که روی هر اشتباه خود برچسب مدگرایی می‌چسباند و به خیال خود به اصطلاح بهروز شده اما امان از دل غافل که کهنه‌تر از دیروز خود شده‌است.

ضعف اعتماد به نفس پشت نقاب‌های دروغین
مد، واژه‌ای غربی است و این به اصطلاح آدم‌های امروزی مدعی هستند که زبان انگلیسی هم یک معیار بهروز بودن است و بدون هیچ اطلاعات و یادگیری و صرفاً از روی آدا و تظاهر آن را بسیار به کار می‌برند و خود را مدگرا می‌نامند. مد برای آنها مکتبی شده است که ضعف اعتماد به نفس خود را پشت نقاب‌های دروغین و پسر هزینه آن مخفی می‌کنند. تمام تلاش خود را به کار می‌بینند تا هزار و یک فیلم به زبان انگلیسی ببینند و چهار تا اصطلاح آن را با لهجه‌ای شبیه به آدم فضایی‌های له شده هر روز به زور در گوش مردم کنند. یکی هم نیست که به آنها بگوید آخر آدم حسابی! چراسعی نمی‌کنی حداقل به طور اصولی یک زبان

را یاد بگیری و به درستی دانش خود را بهروز کنی؟ آنها از مدگرایی تنها پیروی کور کورانه را متوجه شده‌اند و عجیب غریب بودن را درست‌ترین معیار مدگرایی می‌دانند. هر کسی هم که با آنها همسو نباشد را عقب‌افتاده می‌خوانند. هر گز به دنبال پیشینه‌ای از دنیای مد نمی‌گردند و به کسب اطلاعات درباره الگوها و چگونگی ایجاد هر الگو هم علاقه‌ای ندارند. آنها فقط می‌خوانند مغزی باز و بدون کاربرد باشند که به راحتی هر چیز را می‌پذیرد و به تناسب فرهنگی و اقلیمی آن هم

نگاه

حاجد جمالی

آیا واقعاً انسان با لباس‌های آنچنانی و مدل موی سر و آویزان کردن زنجیر یا شخصیت می‌شود؟ آیا شخصیت افراد در گرو تغییر ملبمان خانه و بست کردن رنگ وسایل آشپزخانه با رنگ کاشی‌های آن است؟ یعنی الان کسی که فرش‌هایش دارای مدل و رنگ واحد نباشد، عقب افتاده است؟

متأسفانه تمام فکسر و ذکر مدعیان تغییر رنگ‌ها و تجربه کردن مدل‌های مختلف است. واقعاً باید بغض بتر کنیم و به حال برخی گریه کنیم! چراکه اگر کسی دنبال مد نباشد و رنگ‌های گوناگون را عوض نکند گاهی مردم تمسخر واقع می‌شود و او را عقب مانده و عصر حجری می‌خوانند.

برایم هضم و حل نمی‌شود که کفشی یا لباسی که هیچ آثاری از کهنگی در آن دیده نمی‌شود و فقط به خاطر اینکه در مهمانی قبلی پوشیده شده، یعنی یک بار مورد استفاده قرار گرفته را دور می‌ریزند. آن لباسی که دور ریخته می‌شود یا آن لباسی که در ویرترین است، تفاوتی ندارد. کم نیستند افرادی که لباس‌هایشان آنقدر زیاد است که برخی از آنها را نپوشیده، دور می‌ریزند.

شاید این سخن برای برخی‌ها ناخوشایند جلوه کند اما واقعاً شما بگویید به چنین شخصی که خرید اصل در زندگی‌اش شده و هر روز کارش خرید وسایل و لباس و... است و چمدان‌ها از جادادن لباس‌هایش عاجزند، چه باید گفت؟ آیا این افراد در مدگرایی نوعی بیماری نیست؟ باور کنید اینها خسته می‌شوند از بس که این افراد می‌پوشند و خود را نگاه می‌کنند. این افراد تمام فکر و ذکر و هم و غمشان فقط این است که از مد جدید جا نمانند. پس برای نشان دادن شخصیت خود انواع و اقسام مدل‌ها را عوض می‌کنند.

یاسر از دوستان زمان دبیرستان من است. پارسل همین موقع‌ها شروع که نامزد کرده و می‌خواهد از دواج کند.

فکری نمی‌کند. اما همیشه گفتیم و باز هم می‌گوییم هر چیز نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. مشکل فقط پیروان اشتباه مد و مدگرایی نیستند بلکه عدم فرهنگ‌سازی بهروز هم بخشی از مشکل است. کاش انهایی که به درستی از این دنیای گسترده باخبر هستند بهروز آمد شدن روش‌های ممکن که به مزاج این مدگرایان عزیز خوش بیاید را کمی فرهنگ‌سازی کنند. همیشه هم نمی‌توان از مسئولان انتظار داشت. ما خودمان مسئول خودمان هستیم. کمی با مطالعه و پیگیری می‌توانیم زیباترین الگوها و مدگرایی را متناسب با فرهنگ و اقلیم خودمان ایجاد کنیم. چه‌اشکالی دارد که ما هم برای خودمان مد ایرانی و اسلامی داشته باشیم و از آن پیروی کنیم؟ اما متأسفانه مطالعه و پیگیری تنها چیزی است که به اصطلاح، مدگرایان عزیز به آن علاقه‌ای ندارند.

مطالعه، بهروزترین مدگرایی است

اگر خوب دقت کنیم می‌بینیم برخی جوامعی که ما مدگرای آنها هستیم، بهروزترین مدگرایی و عادت خود را مطالعه می‌دانند. آنها هر روز درباره خوراک، پوشاک، سبک موسیقی و سبک زندگی خود دانشمندتر می‌شوند و ما پیرو اشتباهات دیروز آنها می‌شویم. بعضی جوانان امروز حتی تصویری درباره شغل آینده خود ندارند و بر عکس درباره جور کردن لباس‌های عجیب و غریب با یکدیگر به اصطلاح متخصص هستند.

فقط عادت کرده‌ایم از پشت یک چهارگوش الکترونیکی بهروز شدن دیگران را تقلید کنیم و پیگیری پیشینه آنها هم نباشیم. جالب است تا می‌بینیم فلان شخص معروف پارچه نارنجی به تن کرده و ضربدری نارنجی و سفید به روی لباس خود دارد ما هم به سرعت همان را تقلید می‌کنیم بدون آن که بدانیم آن علامت‌نماد چیست فقط ظاهر یک مد را دوست داریم و به باطن و پیام آن دقت نمی‌کنیم. هر

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۸۴۷۱

د

اگر بخواهیم نگاهی درست به مدگرایی و دنیای مد داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که مد تنها در پوشاک و رنگ سال خلاصه نمی‌شود. می‌توان ماهی یک کتاب خواند و بهروز شد. می‌توان ورزش کرد و بهروز شد. می‌توان هدفمند و بهروز‌ترین مدگرای دنیا شد که هر حرکت و انتخاب ما جدیدترین ایده و حرکت جهان باشد. حتی اگر کسی پیرو مد و سبک زندگی مان نباشد حداقل از دیروز خود جدیدتر خواهیم بود. بهترین مدگرایسی متهورانسه این است: «شبیهه خودت باش، هر روز بهتر از دیروز»

دوشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۸ | ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ |

سبک ارتباط



اینترنت حتی خبر بچه توراھی شما را جار می‌زند

حریم خصوصی آنلاین یک جوک است

گاهی فکر می‌کنیم این همه جنجال درباره حریم خصوصی در اینترنت زیاده‌روی است. مگر ما آدم‌های معمولی چه چیزی داریم که بخواهیم پنهانش کنیم؟ مشکل این استدلال آن است که در نظر نمی‌گیرد زندگی ناگهان بر پاشنه دیگری می‌چرخد. آنچه می‌خواسته‌اید دیگر نمی‌خواهید. آنچه قرار بود شادی باشد، غم و رنج می‌شود، اما هوش مصنوعی توان فهم این را ندارد. نوزادی که چشم انتظارش بودید، مرده به دنیا می‌آید، اما هنوز هر صفحه‌ای که باز می‌کنید، شیشه شیر و لباس نوزاد نشانتان می‌دهد. جیمز تمپر تون روزنامه‌نگار بریتانیایی در مقاله‌ای که در وب‌سایت «وایرد» منتشر کرده به این موضوع پرداخته است و ما را به این نتیجه می‌رساند که ظاهر ا موضوع حریم خصوصی در فضای آنلاین یک طنز بیشتر نیست. وب‌سایت ترجمان مقاله «تمپر تون» را با ترجمه با یک بهماسی منتشر کرده است و ما در اینجا با اندکی پیرایش و تلخیص این مطلب را می‌آوریم.

اینترنت را زدار هیچ کس نیست

اینترنت از راز متنفر است، از این هم بیشتر، راز را خوار می‌شمارد. فوری به سالش، من و شریک زندگی‌ام تصمیم گرفتیم تا وجود فرزند

به دنیا نیامده‌مان را از نگاه خیره و تشنه اطلاعات اقتصاد آنلاین پنهان نگه داریم. دلیلمان ساده بود:

ناتوانی در دورنگه‌داشتن تبلیغات‌چی‌ها و دلالتن اطلاعات از رویداد خاصی که برایمان بار عاطفی زیادی در زندگی دارد بسیار دل‌آزار است. البته گزنه‌هایی هم پیش رویمان است. به‌جای گوگل از داک‌داک گو استفاده کنیم، به‌جای گوگل کروم هم‌پ‌های شیردهی و کالسه بچه شود و در نهایت، مهم‌ترین دلیل اینکه می‌خواستیم حداقل در ظاهر، به چیزی که حس عمیقاً شخصی داشت کنترل داشته باشیم.

در مورد اول، اوضاع عالی است. در مورد دوم، شکستی چشمگیر خوردیم. خواهید پرسید آرزوی خیره‌سارانه ما برای حداقلی از کنترل چه شد؟ ناگفته نماند، اینترنت نمی‌خواهد کنترل دست شما باشد.

برای من و شریک زندگی‌ام این روزها آرزو داده‌نده برای سایرین کاملاً ناراحت‌کننده بود. کمی بیش از ۱۰ سال پیش، فروشگاه‌های زنجیره‌ای Target کم‌پن‌های تخفیفی برای مشتریان فرستاد که بر اساس عادات خریدشان ظن آن می‌رفت در مراحل اولیه بار داری باشند. مشکل چیست؟ خب یکی از این مشتریان نوجوانی بود که هنوز به والدینش درباره این عضو جدید کجاست؟ خب یکی از این مشتریان نوجوانی خانواده چیزی نگفته بود. سرزخی شد برای یک پدر بسیار عصبانی! این مورد مثالی بسیار بدنام از سوءاستفاده از اطلاعات است. ولی آن مورد استثنا نبود.

دلالتن اطلاعات به فرزند مرده شما هم رجم نمی‌کنند

در دسامبر سال ۲۰۱۸، گیلیان براکل یکی از سردبیران واشنگتن پست، نامه‌ای سرگشاده به شرک‌های فناوری نوشت و ملتسمانه خواست تا دیگر تبلیغات محصولات مربوط به نوزاد و لباس‌های حاملگی را به او نشان دهند. فرزند او مرده به دنیا آمده بود ولی الگوریتم‌ها که آنقدر هوشمند بودند تا پدراند او بار دار بوده، طوری طراحی نشده بودند تا در یابند خطایی رخ داده است. چنان‌که به براکل نیز می‌گوید، تابه‌حال این شرک‌ها از کسی اجازه نگرفته‌اند تا تبلیغات مربوط به حاملگی و مادری را فعال سازند، یا این‌حال، برای غیرفعال کردن آن نیز اختیار بسیار کمی به ما داده‌اند. به محض اینکه شخصی‌ترین نیست. یخچال‌مون کوچیک بود، اونور دش کردم رفتم به دونه جدیدشو گرفتم.»

با خودم گفتم خب چرا بسا جرتقییل آن را می‌خواهد جابه‌جا کند. تا اینکه چشمم به یخچال افتاد و متوجه شدم که از راه پله بالا نمی‌رود. بس با جرتقییل یخچال را از بالکن به داخل خانه راهی کردند. واقعاً یخچالشان کوچک نبود. فقط به خاطر اینکه این یخچال جدید بود و کسی در فامیلشان از این مدل نداشتند، آن را خریدند تا به قول خودشان بز بدهندا! اصافاً دو نفر مگر چقدر می‌خورند که یک یخچال به این بزرگی را می‌خرند؟

به راستی که دین مبین اسلام، دین اعتدال است. البته اعتدال حقیقی و به معنای واقعی. از نظر اسلام ارزش افراد با لباس و مدل و تعویض وسایل زندگی و... مشخص نمی‌شود بلکه دین ما مدگرایی را سراف می‌داند و از بریز و بیش بیزار است و تنها ملاک برتری افراد را پرهیزکاری در همه امور می‌داند.

بباییم اندکی تفکر کنیم. زندگی بدون تجملات و مدگرایی چه چیزی از ما کند می‌کند؟ افراد مدگرا باید مبنای زندگی خود را تغییر دهند تا بتوانند از این ویژگی ناپسند اخلاقی دل بکنند، چراکه اصل و مبنا در زندگی این افراد دنیاکرایی و زرق و برق دنیاست اما اگر مبنای خود را به سمت مبنای اسلامی یعنی سادگی و قناعت تغییر دهند، دیگر برایشان مهم نخواهد بود که مد و مدل جدید چیست.

الگو و مد برای خود داستان‌ها دارد و می‌تواند تفرکی به همراه داشته باشد. پس بهتر نیست کمی اطلاعات خود را بهروز کنیم؟

سبک زندگی‌ات را بهروز کن

اگر از همین مدگرایان عزیز بپرسی: «سبک زندگی یعنی چه؟» فقط در ذهن آنها کافه رفتن و سیگار کشیدن و بحث‌های عجیب و غریبی که هیچ ربطی به فلسفه ندارند و هر روز تا لنگ ظاهر خوبیدن را به تو در پاسخ خواهند گفت. سبک زندگی سالم یعنی هر روز صبح زود از خواب بیدار شوی و پس از نیاش نیم ساعت ورزش کنی. صبحانه‌ای سالم در کنار عزیزترین افراد زندگی‌ات بخوری و به دنبال یک هدف واقعی در زندگی باشی. ما عادت کرده‌ایم هر خواسته بدون پایه‌ریزی را هدف بدانیم و رسیدن به آنها را از وظایف خدا و کائنات قلمداد کنیم. خودمان هم پا روی پا انداخته و جلوی گوشی و تلویزیون منتظر تحقق آنها باشیم. ابر و باد و مه و خورشید جای ما تلاش کنند تا خرده هدفی برای ما حاصل شود. هر گز شده است به شدنی بودن و منطقی شدن هدف خود فکر کنیم؟ بزرگی می‌گمت: «هرگز نمی‌توان مشکلی را با همان ذهنی که آن را به وجود آورده است، حل کرد.» پس ذهنیت خود را باید تغییر داد. چه بهتر که ذهنیت خود را بهروز و مدگرا کنیم تا کامراً او شویم.

پس اگر بخواهیم نگاهی درست به مدگرایی و دنیای مد داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که مد تنها در پوشاک و رنگ سال خلاصه نمی‌شود. می‌توان ماهی یک کتاب خواند و بهروز شد. می‌توان ورزش کرد و بهروز شد. می‌توان هدفمند و بهروز‌ترین مدگرای دنیا شد که هر حرکت و انتخاب ما جدیدترین ایده و حرکت جهان باشد. حتی اگر کسی پیرو مد و سبک زندگی مان نباشد حداقل از دیروز خود جدیدتر خواهیم بود. بهترین مدگرایی متهوران این است: «شبیهه خودت باش، هر روز بهتر از دیروز.»

همه با هم با تعجب پرسیدیم: «ماشین بعدی؟» گفت: «آره! سروس خواب رو که سفارش دادم هنوز آماده نشده.» خلاصه گذشت تا همین چند روز پیش. یعنی ۱۰ ماهی از عروسی‌شان می‌گذشت تا اینکه یکی روز دیدم وسط کوچه جلوی خانه‌شان یک جرتقییل پارک کرده و بچه‌های کوچک هم دور جرتقیل را گرفته بودند. سریع رفتم جلو و یاسر را دیدم. به او گفتم: «آقا یاسر! بچه خیره‌آفتاقی افتاده؟» در جوابم گفت: «نه، چیز خاصی نیست. یخچال‌مون کوچیک بود، اونور دش کردم رفتم به خودم گفتم خب چرا بسا جرتقییل آن را می‌خواهد جابه‌جا کند. تا اینکه چشمم به یخچال افتاد و متوجه شدم که از راه پله بالا نمی‌رود. بس با جرتقییل یخچال را از بالکن به داخل خانه راهی کردند. واقعاً یخچالشان کوچک نبود. فقط به خاطر اینکه این یخچال جدید بود و کسی در فامیلشان از این مدل نداشتند، آن را خریدند تا به قول خودشان بز بدهندا! اصافاً دو نفر مگر چقدر می‌خورند که یک یخچال به این بزرگی را می‌خرند؟

به راستی که دین مبین اسلام، دین اعتدال است. البته اعتدال حقیقی و به معنای واقعی. از نظر اسلام ارزش افراد با لباس و مدل و تعویض وسایل زندگی و... مشخص نمی‌شود بلکه دین ما مدگرایی را سراف می‌داند و از بریز و بیش بیزار است و تنها ملاک برتری افراد را پرهیزکاری در همه امور می‌داند.

بباییم اندکی تفکر کنیم. زندگی بدون تجملات و مدگرایی چه چیزی از ما کند می‌کند؟ افراد مدگرا باید مبنای زندگی خود را تغییر دهند تا بتوانند از این ویژگی ناپسند اخلاقی دل بکنند، چراکه اصل و مبنا در زندگی این افراد دنیاکرایی و زرق و برق دنیاست اما اگر مبنای خود را به سمت مبنای اسلامی یعنی سادگی و قناعت تغییر دهند، دیگر برایشان مهم نخواهد بود که مد و مدل جدید چیست.



خانه‌شان از خانه ما خیلی دور نیست و هر روز از خانه آنها عبور می‌کنم. یک روز او را دیدم که در حال خالی کردن چیزی‌ه خنمش بود. شاید باور نکنید اما با پول این چیزی‌ه به راحتی می‌شد سه چیزی به متوسط تهیه شود.

تازه این غیر از وسایلی بود که خودش خریده بود.

به محض رو در رو شدن شروع کردم به کمک کردن. واقعاً بدون اغراق می‌گویم خیلی از وسایلی که جابه‌جا می‌کردم را نمی‌شناختم. یعنی برای اولین بار بود که با آنها مواجه شده بودم. با خودم گفتم اگر این همه وسیله برای ازدواج ضروری بود واقعاً جوانان حرق دارند که از دواج نکنند. ماشین را که خالی کردم‌یم باسر آمد و گفت: «بچه‌ها ممنون. ان‌شالله ماشین بعدی خیر تون می‌کنم!»

^[1] سبک زندگی ۸۸۴۸۴۷۱